

نگاهی به ارشاد قلانسی

مهدی فیروزیان*

بود، بر آن نشد که آنها را سامانی ببخشد و در جایی به چاپ برساند. پس از چندی در شمارهٔ چهل و دوم و چهل و سوم مجلهٔ وزین گزارش میراث، یادداشتی از نوشاهی به چاپ رسید که نگارنده را از وجود پایان‌نامه‌ای در تصحیح ارشاد آگاهانید. ایشان در آنجا به برخی انتقادهای نویسندهٔ پایان‌نامه (دکتر حمید رضایی) دربارهٔ تصحیح کتاب ارشاد نیز پاسخ‌هایی نوشته است. پس از خواندن یادداشت ایشان، بر آن شدم که به دانشگاه تهران بروم و از کار رضایی نیز بهره ببرم؛ دو متن را با دیدگاهی تطبیقی بررسی و درستی یا نادرستی برخی یادداشت‌های خود را نیز با تکیه بر پژوهش این دو گرامی، بسنجم. در بررسی پایان‌نامه آشکار شد که برخی از انتقادهای رضایی (که نوشاهی در پاسخ خود از آنها یاد نکرده و خوانندهٔ مجله که پایان‌نامه را در دسترس ندارد، گمان می‌برد که به همهٔ انتقادهای از سوی ایشان پاسخ داده شده است و هیچ‌یک از سخنان رضایی پذیرفتنی نبوده است) بی‌گمان — و حتی از نظر نوشاهی که پاسخی برای آنها ندارد نیز — درست و پذیرفته هستند. در برخی دیگر نیز انتقاد رضایی، علمی و مستند است و پاسخ نوشاهی پس‌ننیده و دانش‌ورانه نیست. اما ناگفته نباید نهاد که در یک نمونه حق با ایشان است و آن فضل تقدّم ایشان در تصحیح کتاب (نیز تصحیح سال چاپ کتاب که در پایان‌نامهٔ رضایی به خطا ۱۳۸۶ آمده بود) و همچنین پذیرفتنی بودن کار همزمان دو یا چند تن بر روی یک متن است که نباید مایهٔ گله و یا خرده‌گیری باشد. آنچه در پی می‌آید زادهٔ بررسی دو تصحیح یادشده است که هم به گونه‌ای معرفی کتاب برای خوانندگان ناآشنا با ارشاد است و نیز یادکرد چند نکتهٔ علمی که ضمن ارج نهادن بر تلاش ستودنی آقای نوشاهی، برای هرچه پیراسته‌تر شدن چاپ‌های دیگر کار ارزشمندشان، با ایشان و خوانندگان گرامی در میان نهاده می‌شود.

ارشاد (در معرفت و وعظ و اخلاق)، عبدالله بن محمد قلانسی نسفی، تصحیح، مقدمه و تعلیقات: عارف نوشاهی، تهران: میراث مکتوب، ۱۳۸۵، ۳۸۸ص، وزیری، ۷۵۰۰ تومان.

سخن آغازین

پژوهشگر ادبی حوزهٔ شبه قاره، آقای عارف نوشاهی برای نخستین بار به تصحیح متنی مهم از متون کهن ادب پارسی دست یازیده که با نام کتاب ارشاد، — همچون دیگر آثار زنجیرهٔ کتاب‌های مرکز پژوهشی میراث مکتوب — به گونه‌ای آراسته و پیراسته به چاپ رسیده است. ایشان افزون بر مقدمه — که جداگانه دربارهٔ آن سخن خواهیم گفت — تعلیقاتی سودمند را که در بردارندهٔ بررسی اعلام تاریخی و یادداشت‌های پراکنده دربارهٔ احادیث و اخبار نبوی، اشعار، اصطلاحات، اعلام جغرافیایی، اقوال مشایخ، لغات و... است، به کار افزوده است. همچنین با نگاهی فراگیر فهرست‌های کارآمد چندگانه‌ای را در پایان کتاب آورده است که کار پژوهشگران را برای بررسی کتاب آسان می‌سازد. فهرست‌ها از این قرارند: آیات، احادیث نبوی، احادیث قدسی و اخبار انبیاء پیشین، اخبار، اقوال و مأثورات مشایخ و ضرب‌المثل‌های عربی و به زبان محلی، جملات احترام‌آمیز و دعائیه و کلمات نفرین، اشعار عربی و فارسی، مثل و مثلواره‌های فارسی و ترجمهٔ مثل‌های عربی، واژه‌ها و اصطلاحات معارف دینی و اخلاقی و مدنی، حکایت‌ها، تمثیل‌ها، کسان، نسبت‌ها، القاب، ادیان، اقوام، نحله‌ها و... جای‌ها، کتاب‌ها.

نگارنده در خواندن این کتاب ارزشمند، نکته‌هایی را به شیوهٔ همیشگی در حاشیه یادداشت کرده بود که گاه دربارهٔ سودمندی‌های متن و نویافته‌های آن بود و گاه دربارهٔ کاستی‌هایی که در کار تصحیح و توضیح، حس می‌کرد؛ اما چون در نگارش این یادداشت‌ها دست به کار پژوهشی نزده

* دکترای زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران.



درباره کتاب و نویسنده

کتاب مجالس ابومحمد عبدالله بن محمد قلانسی نسفی نام برآورده به ارشاد از متون مهم و ارزشمند زبان پارسی در سده‌های پنجم و ششم است. این اثر که دربرگیرنده مجالس وعظ قلانسی است، در زمینه معرفت و وعظ و اخلاق فراهم آمده است. ارشاد جز سودمندی‌های ادبی و زبانی، سروده‌هایی کهن را نیز دربر دارد که بیشینه آنها نویافته‌اند. مجالس قلانسی از درسنامه‌های صوفیه در چین بوده و از این رو بیشتر دستنویس‌های معتبر آن در این سرزمین یافته شده است و استاد ایرج افشار نیز سال‌ها پیش دستنویس‌هایی از آن را در چین دیده و به ایرانیان شناسانده بود (نک: افشار، ص ۹۱).

پیش از بررسی مقدمه و متن، باید گفت مصحح گرامی در بررسی نسب نویسنده کتاب، دچار لغزش شده و نام و نسب قلانسی را بر روی جلد به خطا چنین آورده است: «عبدالله بن محمد بن ابی بکر قلانسی نسفی». رضایی هم در صفحه ۳۴ پایان نامه بر این نکته انگشت نهاده و مصحح ارشاد (نوشاهی) چنین پاسخ داده است: «چون در نسخه اساس من کنیه ابی بکر آمده است، از آن پیروی کردم. نسخه‌های ارشاد کنیه ابوطاهر را تأیید نمی‌کنند» (نوشاهی، ص ۳۲). اینکه در نسخه اساس لغزشی رخ داده باشد و مصحح هم بر پایه آن لغزش، به راه نادرست گام بنهد، پذیرفتنی نیست. ضمن اینکه چنین لغزشی، می‌تواند از اعتبار نسخه اساس ایشان بکاهد، باید دانست که کار مصحح، یافتن همین لغزش‌ها و از میان بردن آنها با یاری گرفتن از دستنویس‌های دیگر است. اگر قرار باشد نسخه اساس همانگونه که بوده است به چاپ برسد، کار مصحح چیست و دانش ادبی و تاریخی او چه نقشی در تصحیح متن دارد؟ اگر چنین باشد، چاپ عکسی نسخه اساس بسیار آسان‌تر و بهتر می‌نماید. پس اینکه در نسخه اساس ایشان چنین آمده، انگیزه درستی به شمار نمی‌آید.

در دنباله سخن، آشکار خواهیم ساخت که لغزش کاتب بر پایه همانندی‌ای که میان ضبط درست و نادرست هست، تنها در پی جابه‌جاشدن دو واژه (که در نگارش هر متنی، بسیار محتمل است) پدید آمده است. اما اینکه ایشان گفته است دستنویس‌های ارشاد این کنیه را تأیید نمی‌کنند نیز سخنی نادرست است که رضایی (همان‌جا) به آن پرداخته است و ما نیز بر پایه متن از آن سخن خواهیم گفت. از این گذشته بر پایه

گزارش زندگی خاندان قلانسی در آبشخورهای کهن، نام نیای نویسنده، محمد و کنیه او ابوطاهر است نه ابوبکر (سمعی، ج ۴، ص ۵۷۰ و ج ۱، ص ۳۴۲).

چنانکه گفته آمد بر پایه متن هم این گفته را استوار می‌توان داشت؛ زیرا قلانسی خود از نیای خویش با کنیه «ابوطاهر» یاد کرده است:

چنین کس خطر بود که به صلاح نیاید که [جد من] خدمت شیخ ابوطاهر — رحمة الله علیه — گفتی که بزرگان گفته‌اند که دل مؤمن هم چون بوستان‌نست (قلانسی، ص ۲۶۲).

از سویی می‌دانیم که کنیه پدر نویسنده، ابوبکر بوده و او در جای جای کتاب از پدر خود با همین کنیه یاد کرده:

«پدرم خواجه امام ابوبکر القلانسی — رحمة الله علیه — چنین گفتی...» (قلانسی، ص ۲۹ و نیز نک: همان، ص ۳۳، ۱۸۵، ۲۱۵).

نام پدر بزرگ نویسنده نیز محمد بوده است و از آنجا که سلسله‌نسب چاپ‌شده بر جلد کتاب تنها در دستنویس T (نک: بخش ویژگی‌های نسخه‌شناسی در همین جستار) آمده است، می‌توان پنداشت که کاتب دستنویس یادشده دچار لغزشی ساده در جابه‌جایی شده و به جای ابی بکر بن محمد (یا ابی بکر محمد) نوشته است: محمد بن ابی بکر. نویسنده در دیباچه، خود نیز آشکارا از پدر خویش به «خواجه امام ابوبکر بن محمد القلانسی» یاد کرده (نک: همان: ۱) و این یادکرد، در استوارداشت سخن ما و نادرستی برداشت مصحح و دستنویس T بسنده است.

ویژگی‌های نسخه‌شناسی

مصحح از دو نسخه در کار خویش بهره برده است:

۱. دستنویس ترکیه، با نشانه T که با شماره ۱۶۶۴ در کتابخانه سلیمانیه استانبول نگهداری می‌شود و تاریخ کتابت آن سال ۹۰۰ هـ است. نسخه اساس مصحح همین دستنویس بوده است.

۲. دستنویس پاکستان، با نشانه P که از یک گنجینه خانوادگی به نام مفتی برگرفته شده و با شماره اسلام/۴۹۲ در شمار کتاب‌های آرشیو ملی پاکستان است و در ۱۰۲۳ هـ کتابت شده است.

بزرگترین کاستی در کار مصحح ارجمند، بی‌بهرگی ایشان از دستنویس‌های ارشاد در چین است که رضایی آنها را در



دسترس داشته است: نسخه کتابخانه دانشکده خاورشناسی دانشگاه پکن، نسخه اول و دوم مسجد دنگ‌سی و نسخه نیوجیه (رضایی افزون بر اینها از دستنویس کتابخانه سلیمانیه استانبول یعنی نسخه اساس نوشاهی هم بهره برده، اما آن را دارای شماره ۱۶۶۹ دانسته است).

درست است که به همانسان که نوشاهی در پاسخ خود نوشته است، هیچ کدام از نسخه‌های چینی تاریخ کتابت ندارد اما نشانه‌هایی که رضایی برای بازخوانده شدن دستنویس کتابخانه دانشکده خاورشناسی دانشگاه پکن، به سده هشتم از آنها یاد کرده و یکسان بودن آن دستنویس با نسخه سده هشتمی لانگ‌جو، در استوارداشت سخن او نقشی درخور درنگ دارد. نوشاهی هرچند نخواسته است که برتری دستنویس‌های مورد استفاده رضایی را بپذیرد، خود — شاید ناخواسته — وجود نسخه‌های معتبرتری از ارشاد را پذیرفته و نوشته است:

نسخه جامع سلیمیه، ادرنه که بعد از چاپ ارشاد بدان دسترسی پیدا کردم، به نظر من از همه نسخه‌ها قدیم‌تر است و در چاپ‌های بعدی ارشاد باید اساس قرار گیرد.

(نوشاهی، ص ۲۹)

روشن است که مصحح خود به کاستی‌های نسخه اساس خویش آگاه شده، اما از پذیرش ارزش و برتری دستنویس‌های چین سر باز می‌زند. بر پژوهشگران حوزه متون پوشیده نیست که بهره‌بردن از دستنویس‌های گوناگون برای غنی‌تر کردن کار تصحیح سودمند و راهگشاست. پیگیری نوشاهی در دیدار با دکتر مظفر بختیار (استاد راهنمای رساله رضایی) و جست‌وجو درباره دستنویس‌های چین پیش از چاپ ارشاد هم گواه این است که ایشان خود به خوبی از ارزش دستنویس‌های چین آگاه بوده و برای انکار اکنون خویش، گویا انگیزه‌های دیگر دارد. از همه این سخنان گذشته، با بررسی کوتاه و گذرای متن (به همانسان که در این جستار خواهد آمد) نمونه‌هایی از کاستی یا ناراستی نسخه اساس و بدل نوشاهی در ضبط اشعار، عبارات تازی، اعلام و اطلاعات دیگر — که در دستنویس‌های چین به درستی آمده‌اند — آشکار می‌شود. ایشان با آوردن چند سطر نمونه به گمان خود نشان داده است که ناسازی چندانی میان دستنویس‌ها نیست؛ اما افتادگی‌ها، مخدوش شدن‌ها و لغزش‌های راه‌یافته در نسخه‌های مورد استفاده ایشان را

نمی‌توان نادیده گرفت؛ ضمن اینکه بی‌ارج خواندن کار ایشان نیز پسندیده نیست و در اینجا سخن از بهتر و پیراسته‌تر شدن این کار ارزشمند در میان است.

مقدمه

ص چهل و هشت مقدمه، «شتافیدن» در شمار فعل‌های کم‌کاربرد آمده است. شگفت این است که در فهرست پایانی کتاب، چنین فعلی نیامده و تنها از «شتابیدن» یاد شده و در متن مصحح ایشان هم شتابیدن آمده است و شتافیدن به زیرنویس رفته. اما به هر روی شتافیدن (یا چنان که مصحح ضبط کرده: شتابیدن) در متن، معنی چندان مناسبی ندارد:

این در حق کسی صورت بندد که او را معصیت طبع نگشته باشد و عادت نکرده و مُصر نبوده ولکن گاهی به سهو اندر افتد و باز پشیمان شود ... منت از مولی عز و جل تازه شود که بنده را مدّت توفیق طاعت و عصمت دراز شود، غافل شود. چون شتایید و به معصیتی درافتاد و آن منت مولی عز و جل تازه شود. (قلانسی، ص ۲۰۶)

«شتابیدن» را هرچند وجهی تواند بود، به قرینه «به سهو اندر افتادن» که در جمله پیشین آمده و ساختاری سازگار با جمله پایانی دارد (در هر دو «تازه شدن منت مولی» آمده) این گمان نیرو می‌گیرد که شتافیدن در اینجا تصحیف مصدر کم‌کاربرد «شافیدن» باشد که در ذیل فرهنگ‌های فارسی به معنای زمین‌خوردن، افتادن، به سر در آمدن و لغزیدن آمده است. «به سهو اندر افتادن» و لغزیدن یا دچار لغزش شدن (شافیدن) کامیاب هم‌معنی هستند. در نسخه‌های چین «شافیدن» آمده است (نک: رضایی، ص ۳۷۵) و این گواهی دیگر بر درستی و برتری دستنویس‌های چین است.

ص شصت و شش و شصت و هفت، با گمانمندی از بازخوانده شدن کتاب‌های فروق و امثال به حکیم ترمذی (محمدبن علی) سخن گفته شده که بر پایه نسخه‌های چین هیچ‌گونه گمانمندی در این نکته بر جای نمی‌ماند زیرا قلانسی، خود، در یادکرد از این دو کتاب، نام حکیم ترمذی را نیز در جایگاه مؤلف آورده است. نوشاهی نوشته است:

در نسخه‌های من مؤلف ارشاد نام هر دو کتاب را بدون ذکر مؤلف آورده است، ولی دکتر رضایی می‌گوید که قلانسی از هر دو کتاب با ذکر مؤلف نام برده است. شاید در نسخه‌های



چین چنین بوده است. (نوشاهی، ص ۳۲)

این سخن، پاسخی بر نقد رضایی به شمار نمی‌رود و روشن است که انتقاد رضایی بر پایه دستنویس‌های دیگر ارشاد (که نوشاهی با قید شگفت «شاید» از آن یاد کرده) بجا بوده است (نک: رضایی، ص ۱۳۹ و ص ۳۷۸). از این گذشته نوشاهی در اینجا (و در مقدمه کتاب) دچار لغزشی شگفت شده است؛ زیرا نه تنها در نسخه‌های چین که در متن مصحح او نیز این دو کتاب، از حکیم ترمذی دانسته شده و او در نگارش مقدمه و نیز یادداشتی که در پاسخ به نقد رضایی نوشته این دو نکته بسیار مهم را فراموش کرده است:

خواجه محمد بن علی حکیم ترمذی — رحمة الله علیه
— در فروق خویش بیان فرموده است که... (قلانسی، ص ۶۵)
و شناخت ایمان را خواجه محمد بن علی الترمذی
— رحمة الله علیه — در کتاب امثال مثال آورده است
و چنین گفته... (همان، ص ۱۱۶)

از ص پنجاه تا شصت و دو مقدمه مطالبی دستوری آمده که بسیاری از آنها بدیهی است و یادکرد آنها در مقدمه ناسودمند است؛ برای نمونه:

۱. ص پنجاه و دو ذیل «شیوه جمع بستن و تشخیص مفرد و جمع» / به «ان»: ناینایان.
۲. ص پنجاه و شش ذیل «تقدیم صفت بر موصوف»: بدگمان، تازه‌رویی، تنگ‌دلی، چرب‌زبان.
۳. ص پنجاه و هفت «صفت تفضیلی با تر و ترین»: بزرگتر، داناتر، بهتری، بدترین. مگر در زبان پارسی به شیوه دیگری نیز می‌توان صفت تفضیلی از واژگانی چون بزرگ و دانا ساخت؟!

متن

ص ۹:

زمان تا زمان هر که یاد آیدم
ندانم همی تا چه پیش آیدم
نسخه بدل «هر که» در زیرنویس، «مرگ» آمده که درست هم همان است.

ص ۱۵ (ح):

تازی و پارسی همه نزدیک ما یکی ست
نزدیک او گرامی پرهیزگارت
کسره پایانی «گرامی» زائد است و معنی را آشفته می‌سازد. گویا

مصحح برای راست‌آمدن وزن افزودن کسره را بایسته دانسته اما با در نظر گرفتن «اختیار تسکین»، وزن شعر درست است. مصراع دوم ترجمه‌ای است منظوم از آیه «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ اتَّقِيكُمْ» (حجرات، ۱۳) که در متن ارشاد آمده و ساختار روان مصراع دوم چنین است: نزدیک او پرهیزگارت، گرامی (است).
ص ۳۸: «خویی که با شیر فرو رود به حلق، بی‌شک با جان برآید از حلق». این جمله که در آن تکرار نابجای حلق (در جایگاه سجع) خواننده آگاه را در درستی ضبط آن گمانند می‌سازد، بیتی موزون بوده است که در دست‌نویسی که مصحح از آن بهره برده، در پی لغزش کاتبان به نثر دیگرگون شده است. ضبط درست بیت در نسخه‌های دیگر چنین است (نک: بختیار و رضایی، ص ۷):

خوی که فرو خوردش با شیر، خلق
بی‌شک با جانش برآید ز حلق
پاسخی که مصحح به این نکته داده است، پذیرفتنی نیست. ایشان می‌نویسد:

شعری که از روی نسخه سلیمانی به گونه نثر ضبط کردم
... با نسخه سلیمیه مقایسه کردم ... با روایتی که دکتر
رضایی نقل کرده اختلاف دارد. روایت نسخه سلیمیه چنین
است:

خویی که با شیر فرو خورد خلق
بی‌شک با جانش برآید ز حلق

(نوشاهی، ص ۳۲)

آنچه مصحح از نسخه سلیمیه نقل کرده، خود تأییدی است بر اینکه در اینجا با نظم روبه‌رویم و ایشان با تکیه بر نسخه مغشوش سلیمانیه دچار لغزش شده و آن را نثر دانسته است. حتی در ضبط نسخه سلیمیه، منظوم‌بودن سخن، آشکار است و تنها باید گفت این نسخه — که مصحح در یادداشت خود آن را معتبرترین نسخه ارشاد دانسته که باید در چاپ بعدی اساس قرار گیرد (نک: نوشاهی، ص ۲۹) — در این نمونه مغشوش شده و کاتب آن، شعر را با جا به جا کردن دو واژه و افتادگی یک حرف، نادرست ضبط کرده است.

ص ۳۹:

که بیگار بیکار خواهد تو را
به بیهودگی بازدارد تو را
نسخه بدل را که در زیرنویس آمده می‌باید به متن آورد تا هم



موسیقی کناری بیت به سامان آید و هم سخن معنای روشنی بیاید: به بیهودگی یار خواهد تو را. بدینسان «خواهد تو را» ردیف و «بیکار» و «یار» واژگان قافیه خواهند بود.

ص ۵۶:

باده چون باد است و عقل همچو چراغی
بنگر از آن باد بر چراغ چه آید
وزن مصراع نخست درست نیست و باید به جای «چون»،
نسخه بدل (زیرنویس شماره ۱۹) «چو» را جایگزین آن ساخت.

ص ۶۷: «لیس یرجو الله إلا خائف و من رجا خاف و من خاف رجا». این سخن، بیتی از ابوالعتهیه سخنسرای نامدار تازی است که او در میان دو مصراع آن افزوده کاتبان است و مصحح به این نکته پی نبرده و دو مصراع را به گونه نثر و در پی هم آورده است. بیت در دیوان شاعر چنین است:

لیس یرجو الله إلا خائف
من رجا خاف و من خاف رجا

(ابوالعتهیه، ص ۱۱۰)

ص ۸۶:

تا تو ز راه فضول بازنگردی
هیچ در امر بر تو بازنگردد
«امر» در بیت، معنی روشنی ندارد و نسخه بدل (زیرنویس شماره ۳) یعنی «فضل» را می باید به متن آورد تا هم معنی راست آید و هم هم‌ریشگی (اشتقاق) میان «فضول» و «فضل» که زیبایی واژگانی و سازگاری ساختاری دو مصراع بر پایه آن پدید آمده، آشکار شود.

ص ۹۷: «به تدبیر زیستن آن بود که پیش و پس بیندیشد و از گزاف هزینه نکند و فسادکاری نکند. و مولی عز و جل مر آن کس را که در کی خایی حد نگاه دارد، بستود».

به جای «کی خایی» که در فهرست پایانی واژگان پارسی کتاب هم نیامده، نسخه بدل «کخدایی» بهتر می نماید؛ بویژه آنکه در سراسر کتاب، کی خایی به کار نرفته و چند سطر پس از این سطر، بار دیگر کخدایی در همین معنی و موضوع آمده است: «درویش نشود آن کس که میانهر و بود در کخدایی» (ص ۹۸). باید در نظر داشت که همیشه نمی توان ضبط دشوار (در اینجا: کی خایی) را بهترین ضبط دانست. در سراسر کتاب (دو نسخه ترکیه و پاکستان) و نیز در دستنویس های چین همه جا کخدایی آمده است (نک: رضایی، ص ۲۹۴).

ص ۹۸:

چون جان عزیز دار درمی را
زیرا که به کار آید دمی را

این سخن دچار ناراستی موسیقی بیرونی است. مصراع نخست دارای وزن ناهموار «مستفعلن مفاعیل فاعلن» یا «مفعول فاعلات فعلاتن» است اما مصراع دوم چنین نیست. در تصحیح رضایی (ص ۲۹۵) لخت دوم چنین آمده: «روزی به کارت آید غمی را» که با در نظر گرفتن تسکین در هجای دوم «باید» (ید) با لخت نخست هم وزن است و همان درست به شمار می رود.

ص ۱۰۱: «مولی عز و جل مرو را به توفیق و عصمت سزا نگرداند و از آفت های آن جهانی و از بلاهای این جهانی نگاه ندارد و به نزد خلق خوار گردانش». نسخه بدل که «گرداندش» را به جای «گردانش» دارد، در سازگاری با فعل پیشین (نداردش) درست می نماید. در تصحیح رضایی (ص ۲۹۹) نیز «گرداندش» آمده است.

ص ۱۵۷: «انّ الشباب و الفراغ و الجده مفسدة الدین». دستنویس T دچار افتادگی و کاستی بوده و در نسخه بدل (دستنویس P) «ای مفسده» هم آمده که می باید به متن افزوده شود و «مفسدة الدین» نیز نادرست است و باید به «مفسدة للدین» اصلاح شود تا به جای جمله ای منثور، ضبط درست بیتی از ابوالعتهیه به دست آید که با دگرگونی یک واژه در دیوان او بدینسان آمده:

انّ الشباب و الفراغ و الجده
مفسدة للعقل ای مفسدة

(ابوالعتهیه، ص ۴۹۵)

لغزش مصحح و کوتاهی ایشان در یافتن مأخذ بیت و دریافت وزن عروضی، آشکار است؛ اما ایشان به جای پذیرش چنین پاسخ گفته است:

مطلبی از قول حکیم ترمذی به نثر نوشته بودم که دکتر رضایی می گوید این بیتی از ابوالعتهیه است (ص ۳۵). شاید هم چنین باشد، ولی هم در نسخه های مورد استعمال من و هم در نسخه سلیمیه (برگ ۴۵)، این قول منسوب به حکیم ترمذی و به صورت نثر نقل شده است.

(نوشاهی، ص ۳۲)

آنگاه که بیتی با ذکر سند به شاعری نامدار بازخوانده می شود،



به راستی شگفت است که کسی به سادگی و با گفتن این جمله که «شاید (!) هم چنین باشد» از کنار آن بگذرد و همچنان بر درستی کار خویش پای بفشارد. سخن بر سر این نیست که در کدام نسخه‌ها بیت به نثر آمده، مهم این است که مصحح (حتی اگر حفظ ضبط نسخه را بایسته بشمارد) بیت (که با داشتن وزن و حتی قافیه آشکارا از نثر جدا می‌شود) و اصل مأخذ آن را بازسناسد و دست کم در یادداشت‌های پایانی کتاب به بررسی این نکته بپردازد؛ چه بسا (در صورت اتفاق تمام نسخ بر این نکته) بتواند به این نتیجه برسد که فالانسی دچار لغزش شده و شعر ابوالعتاهیه را به حکیم ترمذی بازخوانده است. اما همه اینها باز بسته به این است که مصحح با جست‌وجو و آگاهی از منابع، به مأخذ اقوال و اشعار دسترسی یابد.

ص ۱۶۲:

می‌بلرزد دلم ز بیم نیاز

همچون سیماب بر کف مفلوج

وزن لخت دوم آشفته است. با اینکه در هر دو دستنویسی که مصحح از آنها بهره برده، چنین آمده (و این نمونه‌ای دیگر از کاستی‌های این دو دستنویس است)، باید «همچون» را به «همچو» دگرگون ساخت تا وزن راست آید. در تصحیح رضایی (ص ۱۹۲) «همچو» آمده است.

در ص ۱۶۳ دو بیت عربی از ابوالفتح بستی به همراه ترجمه منظوم آن به پارسی آمده است:

گویند مرا جهد کن و خواسته بردار

تادل شودت شاد و ز غم گردی فردا

گیرم که من این خواسته را بردارم

بسیاری عمرم که پذیرد فردا؟^۱

وزن بیت نخست با بیت دوم یکسان نیست و مصحح گرامی از این ناراستی و کاستی آگاهی نیافته است. در زیرنویس دوازده و سیزده این صفحه، ضبط دستنویس P چنین است: «گیرم که من این خواسته گردارم» و «بسیار عمرم که پذیرد ز من امروز به فردا» و مصحح که مصراع را بلند و نابهنجار یافته «کذا» را نیز در پایان زیرنویس آورده است. با اندکی درنگ درمی‌توان یافت که واژه «بسیار» که مصحح آن را بخشی از لخت دوم بیت دانسته، با لخت نخست در پیوند است و با بردن

آن به مصراع نخست، وزن مصراع دوم نیز راست می‌آید. ضبط صحیح بیت با بهره‌گیری از نسخه بدل یادشده چنین است:

گیرم که من این خواسته گردارم بسیار

عمرم که پذیرد ز من امروز به فردا؟

در ص ۱۶۵ بیتی آمده که وزن آن این گمان را برمی‌انگیزد

که بازمانده یک رباعی باشد:

یک دم بزنی به شک زنی دیگر دم

وانگه به میان این دو دم چندین غم

در بررسی تصحیح رضایی (ص ۱۹۸) آشکار شد که در دستنویس‌های ایشان رباعی به طور کامل آمده است و نسخه اساس و بدل نوشاهی افتادگی داشته است. بیت دوم بر پایه ضبط رضایی چنین است:

هر چند همی بیش زیم در عالم

نی عمر زیادت است و نی روزی کم

ص ۱۷۱:

توانگری و شرف هر دو گرد گردانید

بود وطنشان اندر دل توکل جوی

نسخه بدل «گردانند» را جایگزین «گردآیند» باید ساخت تا بیت معنی روشنی بیابد. باید در نظر داشت که مصراع نخست ترجمه این مصراع تازی است که در متن ارشاد آمده: يحول الغنى والعرض في كل موطن.

ص ۲۶۷:

خویشتن را گر توانی منصور حلاج کن

تا مگر یکبارگی در فتنه و غوغا شوی

از دید عروضی، هجای دوم «منصور» می‌باید کوتاه باشد و خوانش «منصُر» نابهنجار است؛ از این روی گزینش نسخه بدل که در آن با تخفیف لام مشدد «حلاج» وزن راست خواهد آمد، پسندیده‌تر است: «هم چنان کن خویشتن چون شیخ منصور حلاج». رضایی (ص ۱۶۴) نیز به درستی همین ضبط را برگزیده است.

تعلیقات و فهرست‌ها

کار مصحح گرامی، در بررسی اعلام تاریخی و یافتن مأخذ سخنان تازی و پارسی آمده در متن و منابع ارشاد دچار

۱. در فهرست اشعار فارسی کتاب (ص ۳۴۳) این بیت در پی لغزشی چایی از آفرین‌نامه (ص ۳۹ کتاب ارشاد) دانسته شده است.



إِذَا قِيلَ رَفَقًا قَالَ لِلْحَلَمِ مَوْضِعٌ
وَحَلَمِ الْفَتَى فِي غَيْرِ مَوْضِعِهِ جَهْلٌ

(متنّی، ص ۱۸۷)

این بیت که برای مصحح ناآشنا بوده، بسیار نامدار است و از دیرباز در شمار امثال سائره دیوان متنّی از آن یاد می‌شده است (نک: صاحب بن عباد، ص ۱۸). نکته دیگر اینکه در ارشاد (با تکیه بر دستنویس‌هایی که مصحح در دست داشته) به جای «رفقا»، واژه «علما» آمده است که درست نیست؛ زیرا در اینجا کسانی ستوده شاعر را به نرمی کردن (رفق) فرا می‌خوانند و ستوده، جایگاه نرمی کردن را جای و گاه دیگری می‌داند؛ زیرا بر آن است که «هنگام درشتی، ملاطفت مذموم است» (سعدی، گلستان، ص ۱۸۵).^۲ اگر مصحح به مأخذ اصلی دسترسی می‌یافت، می‌توانست در تعلیقات به این نکته و اختلافی که میان دستنویس‌های ارشاد و دیوان متنّی هست نیز بپردازد. رضایی (که مأخذ بیت را هم یافته)، با تکیه بر نسخه اساس در تصحیح خود (ص ۸۳) به درستی «رفقا» آورده است که باز دلیلی دیگر بر درستی و برتری نسخه‌های چین تواند بود.

ص ۳۴۱ بیتی از نابغه را در شمار شعرهایی با مأخذ «نامعلوم» آورده است:

و لستُ بخابی لقد طعاماً
حذارَ غدٍ لكلِّ غدٍ طعام

(نابغه الذبیبی، ص ۲۳۲)

این بیت نامدار را که در شمار امثال و حکم تازی از آن یاد می‌شود با اندکی دگرگونی به اوس بن حجر نیز بازخوانده‌اند (نک: رازی، ص ۳۴) و رضایی (ص ۴۳۱) نیز آن را از اوس دانسته است.

نمونه‌هایی دیگر هم، از جمله بیت جداگانه و سه بیت پیوسته تازی در صفحه ۳۸ از صالح بن عبدالقدوس، یا دو بیت حاشییه ۱۷۵ از محمود وراق و دو بیت تازی صفحه ۲۴۶ از عبدالصمد بن معذل هست که مصحح گرامی مأخذ ابیات و نام سراینده را نیافته و رضایی (صص ۴۲۳-۴۲۴، ۴۳۴-۴۳۶) با بررسی چند مأخذ آنها را بررسی کرده است. برای کوتاه‌تر شدن سخن از بررسی این نمونه‌ها درمی‌گذریم و جستجوگران را

کاستی‌هایی است؛ اما افزون بر این، جای خالی گزارش برخی دشواری‌های متن نیز در این بخش، حس می‌شود و شایسته بود مصحح در بخشی — هر چند کوتاه — به این کار می‌پرداخت.

چند نکته پرسش‌برانگیز هم در فهرست‌ها دیده می‌شود؛ برای نمونه در فهرست جملات احترام‌آمیز و دعایی (ص ۳۳۸)، «رحمة الله» آمده که درست نیست و یا باید با افزودن «علیه» به آن معنی بخشید یا آن را «رحمة الله» خواند. با اینکه دو کاربرد دعایی یادشده در فهرست هستند، این ساختار نیز آمده و درباره کاربرد آن به صفحه ۵ و دیگر صفحات بازبرد داده شده، لیک در صفحه ۵ تنها کاربرد «رحمة الله» علیه دیده شد. از صفحات دیگر هم به شماره یاد نشده است. در صفحه ۹۹ «علیه» بیرون از دو خط تیره و جدا از «رحمة الله» آمده که لغزش چاپی است و آن را نمونه‌ای از کاربرد یادشده نمی‌توان دانست.

در فهرست واژه‌ها، ترکیبات و افعال ناب فارسی و ساخته‌شده فارسی (صص ۳۵۱-۳۵۷)، واژگانی تازی هم آمده: تسخیری، تفکرکنندگان، حال گردان، حرام‌خواره، حق گفتن، عز جستن، عقوبت کردن، علم بی‌منفعت و... که در اینجا خواست مصحح از ترکیبات و افعال «ناب فارسی» روشن نیست.

چند نمونه از کاستی‌های کار:

ص ۲۹۹ در بررسی اعلام متن از علی سنگانی یاد کرده که او را پیوندی با قلانسی نیست و با بررسی دستنویس‌های معتبر در تصحیح رضایی (ص ۳۵ و ۴۵۵) آشکار می‌شود پرداختن به این فقیه شافعی، زاده لغزش کاتبان دستنویس‌های ترکیه و پاکستان بوده است. آنکه در ارشاد از او یاد شده، علی سنکبائی (ابوالحسن علی بن احمد بن ربیع سنکبائی)، استاد ابوبکر محمد قلانسی و ابونصر قلانسی، پدر و عموی نویسنده ارشاد بوده است.

ص ۳۴۰ مأخذ بیتی از متنّی را که در صفحه ۲۸ متن ارشاد آمده، «نامعلوم» دانسته:

۲. سعدی این معنی را به نظم نیز بازگفته است:

نکویی و رحمت به جای خودست ولی با بدان نیکمردی بدست (سعدی، بوستان، ص ۱۲۵؛ نیز در این باره نک: محفوظ، ص ۲۳۶)



به پایان نامه بایگانی شده در دانشگاه تهران بازبرد می‌دهیم.

کتابنامه:

- قرآن کریم
- ابوالعناهیة (۱۹۶۴)، دیوان، بیروت: دارصادر.
- افشار، ایرج (۱۳۶۰)، «دو کتاب نادیده در چین»، آینده، سال ۷، ش ۱۰۲، فروردین و اردیبهشت، ص ۹۵-۹۱.
- بختیار، مظفر و حمید رضایی (۱۳۸۷)، «شعرهای کهن فارسی در کتاب ارشاد قلانسی»، مجله دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، دوره ۵۹، ش ۱۸۶، ص ۱-۲۶.
- رازی، محمد بن ابی بکر عبدالقادر (۱۳۷۵)، امثال و حکم، ترجمه و تصحیح و توضیح فیروز حریرچی، تهران: دانشگاه تهران.
- رضایی، حمید (۱۳۸۷)، تصحیح، بررسی و پژوهش کتاب مجالس شیخ ابومحمد عبدالله بن محمد قلانسی نسفی معروف به کتاب ارشاد و مواضع (رساله برای دریافت درجه دکتری) - استاد راهنما: مظفر بختیار، استاد مشاور: علیرضا حاجیان نژاد و شهرام آزادیان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران.
- رواقی، علی (با همکاری مریم میرشمسی) (۱۳۸۱)، ذیل فرهنگ‌های فارسی، تهران: هرمس.
- سعدی، مصلح بن عبدالله (۱۳۶۸)، گلستان. تصحیح و توضیح غلامحسین یوسفی، تهران: خوارزمی.
- _____، (۱۳۶۸)، بوستان، تصحیح و توضیح غلامحسین یوسفی، تهران: خوارزمی.
- سمعی، ابوسعید عبدالکریم (۱۹۸۸)، الأنساب، تحقیق و تعلیق عبدالله عمر البارودی، بیروت: دارالجنان.
- صاحب بن عباد (۱۳۵۶)، امثال سائر از شعر متنبی، ترجمه فیروز حریرچی، تهران: سحر.
- قلانسی نسفی، عبدالله بن محمد (۱۳۸۵)، ارشاد، تصحیح، مقدمه و تعلیقات: عارف نوشاهی، تهران: میراث مکتوب.
- متنبی، ابوالطیب (۱۹۵۶)، دیوان، بشرح ابی البقاء العکبری، ضبطه و صححه مصطفی السقا، ابراهیم الایاری، عبدالحفیظ شلیبی، مصر: شرکه مکتبه و مطبعة مصطفی البابی - الحلبي و اولاده.
- محفوظ، حسین علی (۱۳۷۷)، متنبی و سعدی، تهران: روزنه.
- نابغه الذبیانی (۱۹۹۰)، دیوان، بتمامه صنعه ابن السکیت، بتحقیق شکری فیصل، بیروت: دارالفکر.
- نوشاهی، عارف (۱۳۸۹)، «درباره تصحیح جدید کتاب ارشاد»، گزارش میراث، دوره دوم، س ۵، ش ۴۳ و ۴۲، آذر - دی و بهمن - اسفند. صص ۲۸-۳۲. ■

